

شرایط و اوصاف سیاستمدار دینی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا

عبدالعلی شکر

دکترای فلسفه و کلام اسلامی

که هر کدام علاوه بر اوصاف، حائز یکی از شرایط شش‌گانه، بخصوص شرط حکمت باشند، می‌داند. این اوصاف و شرایط حداکثری بوده و منصب ریاست و رهبری انتصابی است.

کلیدواژگان

رئیس اول؛

صدرالمتألهین؛

مجتهد.

سیاست؛

فارابی؛

فقیه؛

طرح مسئله

فلاسفه به پیروی از ارسطو، سیاست را در ذیل حکمت عملی قرار می‌دهند بهمین جهت بزرگانی چون فارابی و صدرالمتألهین در آثار خود بعنوان دو فیلسوف شیعی دغدغه رهبری جامعه اسلامی را داشته و تحت تأثیر آموزه‌های دینی طرحی نو و متمایز از آنچه در سایر مجامع تحت عنوان سیاست وجود دارد، طراحی کرده‌اند. فارابی در دورانی بسر می‌برد که از ماجرای جانشینی پیامبر اسلام ﷺ زمان زیادی نگذشته بود و وظیفه یک حکیم ایجاب می‌کرد تا حقیقت امر را برای موافقان و مخالفان آشکار سازد.

مدینه آرمانی او مستلزم شرایطی بود که در رأس آن رئیسی قرار داشته با شرایط و ویژگیهایی که مصداق آن منحصر بفرد بود. سیاستی که حاصل آن مدینه فاضله

چکیده

فارابی و ملاصدرا سیاست را بجهت اینکه شاخه‌ای از حکمت عملی بشمار می‌آورند، در آثار خود مورد بحث قرار داده‌اند. آنچه از نظر آنان اهمیت ویژه دارد شرایط و اوصافی است که رئیس جامعه دینی باید داشته باشد تا بتواند زمام امور را در دست گرفته و مردم را در جهت تحقق یک جامعه آرمانی مطابق آیین و حیانی هدایت و رهبری کند. بنابراین، سیاست بر خلاف حاکمیت رایج در جهان، با مسحوریت معنویت و هدایت شکل می‌گیرد. شرایط شش‌گانه رئیس اول، متمایز از اوصاف و خصایص دوازده‌گانه اوست زیرا اولی اکتسابی و دیگری طبیعی فطری است. صدرالمتألهین عقیده فارابی را با اندکی اختلاف می‌پذیرد و شرط حکمت را که فارابی با شیوه‌های مشائی طرح می‌کند، صیغه اشراقی می‌بخشد.

جامع شرایط و اوصاف ریاست نخست جامعه دینی جز در پیامبر ﷺ مصداق نمی‌یابد. پس از وی این شایستگی را ممائل پیامبر ﷺ یعنی امام معصوم علیه السلام دارا می‌باشد. در زمان فقدان این دو دسته، مجتهد و فقیه جامع الشرائط عهده‌دار ریاست می‌گردد. دیدگاه هر دو حکیم در این سه مرحله یکسان است. اما فارابی پس از این سه گروه، حاکمیت را از آن شورای دونفره و سپس شورای شش‌نفره

باشد، مدیر و سیاستگذار آن مهمترین رکن تحققش به شمار می‌رود. بهمین جهت فارابی به شرایط و ویژگیهای ریاست مدینه فاضله اهمیت زیادی داده است.

صدرالمتألهین نیز تحت تاثیر فارابی تأکیدی ویژه بر خصوصیات سیاستمدار جامعه دینی دارد. در نظر آنان رهبر جامعه دینی بیشتر نگران سعادت واقعی و حیات اخروی انسانها از رهگذر زندگی دنیوی است. یعنی سیاست در نظر آنان، برخلاف سیاست قدرت محور مرسوم دنیا، هدایت محور است.^۱ از این دیدگاه رهبر و سیاستمدار دینی جنبه انتصابی پیدا می‌کند هر چند خردسال باشد. نقش مردم تنها در مقام تحقق و فعلیت خارجی آنست.

این نوشتار به بررسی شرایط و ویژگیهای رهبر و سیاستمدار دینی از نظر دو حکیم یادشده پرداخته است.

مراتب رهبری از نظر فارابی

فارابی بر اساس شکل‌های مختلف حکومت یعنی حاکمیت فردی و جمعی، مراتب و انواعی از رهبری سیاسی را ترسیم می‌کند. حکومت فردی در صورتی تحقق می‌یابد که جمیع اوصاف و شرایطی که وی ذکر می‌کند در یک فرد یا مماثل او وجود داشته باشد. فرد اول منحصر بپیامبر ﷺ و مماثل او منطبق با امامان معصومین است. بعد از این دو دسته، نوبت ریاست سنت یا فقیه است. البته فقیه تمام آن شرایط شخصی و رهبری دو قسم اول را دارا نیست اما دارای قدرت اجتهاد و استنباط احکام شریعت بر اساس سنت مکتوب گذشته است زیرا حکومت ریاست سنت و فقیه، برخلاف دو ریاست قبلی، از عصمت برخوردار نیست. اما ریاست غیرمعصومین هم یکسان نمی‌تواند باشد. یعنی اگر ریاست سنت هم مصداق نداشته باشد آن گاه نوبت حکومت جمعی و ریاست شورایی می‌رسد که خود دو گونه می‌تواند باشد: یکی شورای دونفره و این در صورتی است که شرایط ششگانه رهبری در یک نفر جمع نباشد. در این نوع حکومت یک نفر باید حداقل واجد شرایط حکمت و دیگری واجد سایر شرایط باشد. بنابراین شرط حکمت از شرایط اساسی در نظر این حکیم بشمار می‌رود. در صورتیکه این نوع حکومت نیز قابل تحقق

نباشد، نوبت به نوع دوم حکومت جمعی می‌رسد که متشکل از شش نفر می‌باشد که هر کدام دست‌کم یکی از آن شرایط را داشته باشند. چنانچه فرد یا افرادی بیش از یک شرط را دارا باشند بهمان میزان از تعداد آنان کاسته می‌شود تا حداقل به سه نفر برسد؛^۲ زیرا کمتر از آن از نوع حکومت شورایی دو نفره است.

*** فارابی در دورانی بسر می‌برد که از ماجرای جانشینی پیامبر اسلام ﷺ زمان زیادی نگذشته بود و وظیفه یک حکیم اینجاب می‌گردد تا حقیقت امر را برای موافقان و مخالفان آشکار سازد.**

شرایط رئیس اول از نظر فارابی

رئیس اول که با عناوین دیگری مانند ملک مطلق، فیلسوف، واضع نوامیس، رئیس اول و امام در کلام فارابی وجود دارد، انسانی است که مصداق آن جز پیامبر ﷺ نیست.^۳ زیرا وی از درجه‌ای برخوردار است که بواسطه عقل فعال شایسته دریافت وحی است:

وكان هذا الانسان هو الذي يوحى اليه فيكون الله عزوجل يوحى اليه بتوسط العقل الفعال فيكون ما يفيض من الله تبارك وتعالى الى العقل الفعال يفيضه العقل الفعال الى عقله المنفعل بتوسط العقل المستفاد ثم الى قوته المتخيلة فيكون بما يفيض الى عقله المنفعل حكيمًا وفيلسوفًا ومتعلقًا على التمام وبما يفيض منه الى قوته المتخيلة نبيا منذرا.^۴

رئیس اول از جهت افاضه وحی بر عقل منفعلش، فیلسوف و از جهت افاضه آن بر قوه مخیله وی، نبی است. چنین مقامی بعقیده فارابی شش شرط دارد:

۱. لک‌زایی، اندیشه سیاسی صدر المتألهین، ۸۱ و ۱۰۴.
۲. الملة، ص ۴۹، آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۳۰.
۳. تحصیل السعادة، ص ۹۳.
۴. آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۵.

۸. بزرگواری و دوستدار کرامت و طالب رفعت باشد.
۹. راستی و راستگویی را دوست بدارد و دشمن دروغ و دروغگویی باشد.
۱۰. درهم و دینار و متاع دنیا در نظرش حقیر باشد.
۱۱. عدالت خواه و ظلم ستیز باشد و وقتی او را به عدل می خوانند لجوج و جموح نباشد و چون او را به ظلم و زشتی بخوانند بآسانی تسلیم نشود.
۱۲. دارای عزم راسخ و شجاعت باشد و بکارهای شایسته اقدام کند.^۷

وی در **تحصیل السعادة** چهار خصلت دیگر را برای رئیس اول برمی شمرد:

۱. بر اساس ضوابط و عادات متناسب با فطرتش پرورش یافته باشد.
۲. نسبت به آئین و اقوال دینی که در آن رشد یافته اعتقاد سلیم داشته باشد.

۳. اعمال و رفتارش مطابق دین و آیین باشد.
 ۴. به ارزشها و فضایل متمسک شود.^۸
- فارابی عمده این اوصاف را از کتاب سیاست نامه افلاطون نقل می کند.^۹ اما رابطه رئیس اول با عالم بالا و قدرت دریافت وحی که لازمه شرایط رئیس اول بخصوص شرط حکمت می باشد، از نوآوریهای اوست.^{۱۰} فارابی در ادامه می گوید:

اجتماع هذه كلها في انسان واحد عسر. فلذا لا يوجد من فطر علي هذه الفطرة الا الواحد بعد الواحد والاقبل من الناس، فان وجد مثل هذا في المدينة الفاضلة ثم حصلت فيه بعد ان يكبر تلك الشروط الست المذكورة قبل او الخمس منها دون الانداد من جهة المخيلة كان هو الرئيس.^{۱۱}

۵. حکیم از نظر فارابی یعنی کسی که قدرت دریافت فیوضات الهی از طریق عقل منفعل و مستفاد را داشته باشد؛ آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۵.
۶. فصول مترعة، ص ۶۶؛ السیاسة المدنیة، ص ۷۹؛ آراء اهل المدنیة الفاضلة، ص ۱۲۶.
۷. آراء اهل المدنیة الفاضلة، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.
۸. تحصیل السعادة، ص ۹۵.
۹. همان.
۱۰. رک: م. م. شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۱، ص ۶۵۵؛ داوری اردکانی، فارابی فیلسوف فرهنگ، ص ۱۶۰.
۱۱. آراء اهل المدنیة الفاضلة، ص ۱۲۸.

۱. حکیم باشد.^۵
۲. از عقل تام و قدرت تعقل برخوردار باشد.
۳. قدرت بر اقناع داشته باشد.
۴. کمال قوه متخیله را دارا باشد.
۵. قدرت بر جهاد داشته باشد.
۶. از سلامت بدنی برخوردار باشد.^۶

ویژگیهای رئیس اول از نظر فارابی

فارابی اوصاف و ویژگیهایی زیر را علاوه بر شرایط ششگانه فوق برای رئیس اول قائل است:

*** فزود اول متخصر بپیامبر ﷺ و مماثل او منطبق بیا امامان معصومین است. بعد از این دو دسته، نوبت ریاست سنت یا فقیه است. البته فقیه تمام آن شرایط شخصی و رهبری دو قسم اول را دارا نیست اما دارای قدرت اجتهاد و استنباط احکام شریعت بر اساس سنت مکتوب گذشته است.**

۱. تمام الاعضاء باشد و در انجام کارهایی که مربوط به اوست توانمند باشد.
۲. تیز فهم و سریع الانتقال باشد تا آنچه را می گویند و در نیت مردم است، دریابد.
۳. خوش حافظه باشد و آنچه می فهمد و می بیند و می شنود و درک می کند، حفظ کند.
۴. زیرک و هوشیار باشد تا دلیل امور را دریابد و قادر به درک روابط علی باشد.
۵. قدرت بیان داشته باشد تا آنچه در ضمیر دارد با عبارت رسا بر زبان جاری کند.
۶. به تعلیم و تعلم علاقه مند باشد و مشکلات راه علم مانع علم آموزی او نشود.
۷. در خوردن و نوشیدن و منکوحات حریص و آزمند نباشد و از هوا و هوس پرهیز کند.

یجد»^{۱۷} البته اگر مورد پذیرش و اقبال مردم قرار گیرد ریاست و امامت او به فعلیت رسیده است.

*** رئیس اول که با عناوین دیگری مانند ملک مطلق، فیلسوف، واضع نوامیس، رئیس اول و امام در کلام فارابی وجود دارد، انسانی است که مصداق آن جز پیامبر ﷺ نیست. زیرا وی از درجه‌ای برخوردار است که بواسطه عقل فعال شایسته دریافت وحی است.**

شرایط رئیس اول از دیدگاه ملاصدرا صدرالمতألّهین شرایط و اوصافی که فارابی برای رئیس اول برمی‌شمرد را می‌پذیرد و با او همعقیده است. فارابی از یک طرف با آثار یونانیان بخصوص افلاطون در این بحث انس گرفته و از طرف دیگر در متن جامعه دینی با مسائل رهبری و جانشینی پس از پیامبر ﷺ مواجه بوده است. و لذا شرایطی باید پی ریزد تا بیانگر ارتباط آسمانی نیز باشد. صدرالمتألّهین هم این اوصاف را پذیرفته و در آثار بعدی به آن صبغه عرفانی بخشیده تا جایگاهی برای عصمت بیابد. تلاش فارابی برای الفت بخشیدن میان دین و فلسفه ملهم صدرالمتألّهین در عرفانی و اشراقی ساختن آنست. برای روشن شدن میزان تطابق دیدگاه این دو حکیم، نظر صدرالمتألّهین را در ادامه ذکر می‌کنیم و سپس جهت سهولت در تطبیق، آنها را در جدول نشان می‌دهیم. شرایط رئیس اول از منظر صدرالمتألّهین عبارتند است از:

۱. کمال در قوه ناطقه و مستخيله، بجهت دریافت

۱۲. فطر علی هذه الفطرة. ۱۳. حصلت فی... تلك الشرايط.
۱۴. سورة مريم، آیه ۳۰. ۱۵. سورة مريم، آیه ۱۲.
۱۶. ر.ک: تفسیر نمونه، جلد ۱۳، ص ۲۸.
۱۷. تحصيل السعادة، ص ۹۷.

از عبارات فارابی ذیل شرایط و اوصاف رئیس اول چند نکته قابل برداشت است:

۱. یافتن مصداق جامع این اوصاف را در عالم خارج گرچه ناممکن نمی‌داند اما بسیار نادر است. با این تعبیر معلوم می‌شود که فارابی مصداق را منحصر در پیامبر ﷺ می‌داند و چون دغدغه فارابی رهبری جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ است، نزدیکترین شخص به این ویژگیها که همان رئیس مماثل و امام است را شایسته ریاست بعد از پیامبر ﷺ می‌داند.

۲. شرایط و اوصاف با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. اوصاف و ویژگیها امری فطری^{۱۲} و شرایط، حصولی و اکتسابی^{۱۳} هستند.

۳. شرایط مقدم بر اوصافند. در اینجا ممکن است اشکال شود که اگر شرایط اکتسابی و اوصاف فطری‌اند بطور طبیعی خلاف لازم می‌آید زیرا امور طبیعی و فطری از ابتدای خلقت در انسان نهاده شده است، اما امور اکتسابی در مراحل بعد حاصل می‌شوند. فارابی پاسخ این اشکال را با عبارت (بعد از یکبر) داده است. بدین معنی که پس از سن رشد و بلوغ اگر این شرایط ششگانه در او حاصل شود به انضمام اوصاف فطری، آنگاه ریاست او محرز می‌گردد.

اما اشکال دیگری در اینجا بروز می‌کند و آن اینکه در جریان نبوت و امامت به مواردی برمی‌خوریم که این مقام در دوران خردسالی به وقوع پیوسته است. حضرت مسیح علیه السلام در همان روزهای نخستین در گهواره، نبوت خویش را اعلام کرد: «قال اني عبدالله اتاني الكتاب وجعلني نبيا»^{۱۴} همچنین درباره حضرت یحیی علیه السلام قرآن می‌فرماید: «یا یحیی خذ الكتاب بقوة واتیناه الحکم صبیا»^{۱۵} به اعتقاد شیعه، برخی از ائمه معصومین علیهم السلام در خردسالی امام بوده‌اند.^{۱۶}

۴. کسی که این ویژگیها و شرایط را دارا باشد رئیس و امام است؛ دیگران بپذیرند یا نپذیرند، کسی از او اطاعت کند یا عصیان ورزد؛ همانطور که اگر بیمار به طبیب رجوع نکند او از درجه طبابت ساقط نیست؛ «الملك او الامام هو بماهیته وبصناعته ملك وامام سواء وجد من یقبل منه او لم یوجد اطیع او لم یطع، وجد قوما یعاونونه علی غرضه او لم

افاضات و حیانی از عقل فعال.

۲. قدرت در زبانش بر جودت تخیل در گفتار بر آنچه راکه می‌داند یعنی قوه تقریرش کامل باشد.
۳. قدرت بر جودت ارشاد و هدایت به سعادت و به اعمالی که سعادت به آنها حاصل می‌شود.
۴. جودت ثبات در بدنش برای مباشرت در جنگ و جهاد.

صدرالمتألهین شرط اول را کاملترین مراتب انسانیت می‌داند^{۱۸} که اختصاص به نبی و پیامبر ﷺ دارد. وی بعد از بیان این شرایط می‌فرماید:

فهذا هو الرئيس الاول للمدينة الفاضلة والامة الفاضلة ورئيس المعمورة من الارض كلها.^{۱۹}

وی در کتاب الشواهد الربوبية یک شرط دیگر را افاضه می‌کند:

۵. قدرت مناظره و جدل در علوم را با اهل جدال داشته باشد.^{۲۰}

*** ممکن است اشکال شود که اگر شرایط اکتسابی و اوصاف فطری‌اند بطور طبیعی خلاف لازم می‌آید زیرا امور طبیعی و فطری از ابتدای خلقت در انسان نهاده شده است، اما امور اکتسابی در مراحل بعد حاصل می‌شوند.**

ویژگیها و خصائص رئیس اول از نظر صدرالمتألهین ایشان بعد از بیان شرایط می‌گوید: ممکن نیست که کسی واجد این شرایط باشد مگر آنکه در او دوازده خصلت طبیعی جمع شده باشد:

۱. تام‌الاعضاء و قوی‌الاعضاء باشد که موافقت و متابعت کند او را اعضایش بر اعمالی که شأن رئیس می‌باشد که مباشر آنها باشد.

۲. فهم و تصورش در آنچه می‌شود نیکو باشد و هر

چه به او گفته می‌شود بهمان نحو که مقصود قائل است و بهمان نحو که در نفس الامر واقع است بفهمد.

۳. حفظش نیکو باشد و آنچه را می‌فهمد و احساس می‌کند فراموش نکند.

۴. ذکا و فطنتش قوی باشد بنحوی که ادنی دلیل در نظرش برمدلول دلالت کند.

۵. حسن‌العبارة باشد و تواند که از آنچه در خاطرش هست تعبیر نماید بعبارتی که مطلب از آن مفهوم باشد.

۶. محب علم و حکمت باشد و از تأمل در معقولات ملالی به هم نرساند و از تعب آن متاذی نشود.

۷. بالطبع حریص نباشد بر شهوات، و بالطبع دوری کند لعب را و لذات کانیه فاسده را دشمن باشد.

۸. کبیرالنفس و محب کرامت باشد و بالطبع از هر چه عیب و عار است متنفر بوده و برتر از آن را راغب بوده باشد.

۹. درهم و دینار و سایر اعراض دنیویه در نظرش خوار و بیمقدار باشد.

۱۰. بر حسب طبع، محب عدل و اهل آن و مبغض جور و ظلم و اهل آن باشد و درباره اهل خودش و غیر اهل خودش انصاف مرعی دارد و بر آن ترغیب نماید و بر جوری که بر کسی وارد شود اندوهناک گردد و در مقام تدارک آن باشد.

۱۱. هر جا که به عدل و حسن و جمیل دعوت کرده شود باسانی اتقیاد نماید و در دعوت به عدل چموش و لجوج نباشد و اگر به جور و قبیح دعوت کرده باشد متقاد نباشد.

۱۲. عزمش در آنچه وقوعش سزاوار باشد قوی باشد و جسور و ترس و قوی‌النفس باشد.

این خصلتها لوازم آن شرایط است که پیش از این مذکور شد و اجتماع همه اینها در یک انسان مشکل است و بندرت افرادی مفضور بر این اوصافند.^{۲۱}

صدرالمتألهین شرایط و اوصاف رئیس اول را علاوه

۱۸. الشواهد الربوبية، ص ۳۵۶.

۱۹. المبدأ والمعاد، ص ۸۲۶. ۲۰. الشواهد الربوبية، ص ۳۵۶.

۲۱. المبدأ والمعاد، ص ۸۲۸.

بر المبدأ والمعاد، در الشواهد الربوبية نیز آورده است. اما تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود:

یکی اینکه در کتاب شواهد الربوبية شرایط و اوصاف را با صبغه عرفانی و اشراقی برشمرده است. در کتاب المبدأ والمعاد بیشتر با فارابی مماشات نموده است. فارابی عقل و مراتب آن را در دریافت وحی دخیل می‌داند؛ اما صدرالمتألهین همین نقش را به قلب می‌دهد. بعقیده فارابی عقل فعال فیض الاهی را به عقل منفعل از طریق عقل مستفاد افاضه می‌کند و سپس نوبت قوه مخیله می‌رسد. بعبارت دیگر فیض الاهی از عقل فعال عبور کرده و به عقل مستفاد می‌رسد و پس از آن به عقل منفعل منتقل می‌شود و در انتها به قوه مخیله جریان می‌یابد. به اعتبار افاضه فیض به عقل منفعل، مقام حکیم و فیلسوف را دارد و به اعتبار افاضه آن به قوه متخیله نبی منذر است. اما صدرالمتألهین جریان فیض را از عقل فعال به قلب نبی تغییر می‌دهد و در جوئی عرفانی و اشراقی چنین بیان می‌کند:

بنابراین قلب نبی دو باب دارد که همواره گشوده‌اند. یکی در داخلی که بسوی عالم قدس گشوده می‌گردد و از آنجا به مطالعه لوح محفوظ و آیات مسطور در آن می‌پردازد و خدا به او علم لدنی می‌آموزد...، دیگر دری که به جانب حواس پنجگانه او گشوده می‌گردد تا از این طریق بر سوانح و حوادث خلق آگاه گردد و آنان را به کارهای نیک هدایت کند و از امور بد ترساند. پس این شخص، انسانی است که نفس او در هر دو قوه نظری و عملی کمال یافته است. پس او به سبب علوم و معارفی که خدای متعال بر قلب و عقل مجرد وی افاضه نموده، ولیی از اولیاء و حکیمی از حکماست و به سبب آنچه بر قوه متخیله و متصرفه وی افاضه می‌گردد رسول و پیامبری است که خلق را از حوادث آینده با خبر می‌سازد و آنان را می‌ترساند.^{۲۲}

دیگر آنکه صدرالمتألهین در الشواهد الربوبية پس بیان هر شرط یا وصفی با عبارت «کیف لا» به توجیه آن نیز می‌پردازد.

تفاوت سوم اینکه علاوه بر آنچه در مورد شرایط گفته شد، در کتاب المبدأ والمعاد دو وصف دارد که در الشواهد الربوبية نیست. آن دو وصف عبارتند از:

۱. زیرک و هوشیار باشد تا دلیل امور را دریابد و قادر به درک روابط علی باشد.
 ۲. درهم و دینار و متاع دنیا در نظرش حقیر باشد.^{۲۳}
- در الشواهد الربوبية نیز سه وصف وجود دارد که در دیگری نیست:

۱. نسبت به خلق رئوف و مهربان باشد و از مشاهده منکرات خشمگین نشود و بدون داشتن قصد تجسس، اقامه حدود مقرر الاهی را تعطیل نکند.
۲. بخشنده و جواد باشد.
۳. سرور و بهجت او هنگام مناجات با خدا از همه خلائق بیشتر باشد.^{۲۴}

صدرالمتألهین در کتاب کسر اصنام الجاهلیة دو شرط یا وصف دیگر را بدین ترتیب اضافه می‌کند:

۱. در احوال گوناگون، حقائق الهی و معالم ربوبی را به یقین و برهان بداند بطوریکه هیچ شکمی در آن راه نیابد.
۲. به زهد حقیقی متصف بود و اخلاق و خوی‌های خود را پاک کرده باشد.

در دو جدول زیر مجموع شرایط و اوصاف رئیس اول از نظر فارابی و صدرالمتألهین بتفکیک منعکس و سعی شده است تشابه و تطابق نظرات نشان داده شود:

* فارابی از یک طرفه با آثار یونانیان بخصوص افلاطون در این بحث انس گرفته و از طرف دیگر در متن جامعه دینی با مسائل رهبری و جانشینی پس از پیامبر ﷺ مواجه بوده است. و لذا شرایطی باید پی ریزد تا بیانگر ارتباط آسمانی نیز باشد.

۲۲. الشواهد الربوبية، ص ۳۵۶.

۲۳. المبدأ والمعاد، ص ۸۲۸. ۲۴. الشواهد الربوبية، ص ۳۵۸.

فارابی	صدر المتألهین
- حکیم باشد. (قدرت دریافت فیوضات الهی از طریق عقل منفعل و مستفاد را داشته باشد). - از عقل تام و قدرت تعقل برخوردار باشد.	- کمال در قوه ناطقه و متخیله، بجهت دریافت افاضات و حیاتی از عقل فعال، را داشته باشد.
- قدرت بر اقیان داشته باشد.	- قدرت بر جودت ارشاد و هدایت به سعادت و اعمالی که سعادت با آنها حاصل می شود را داشته باشد.
- کمال قوه متخیله را دارا باشد.	- قدرت مناظره و جدل در علوم با اهل جدال داشته باشد. - قدرتی در زبانش بر جودت تخیل در گفتار بر آنچه را که می داند یعنی قوه تفریرش کامل باشد.
- از سلامت بدنی برخوردار باشد.	- قدرت ثبات در بدنش برای مباشرت در جنگ و جهاد داشته باشد.

جدول شماره ۱: شرایط رئیس اول از نظر فارابی و صدر المتألهین

فارابی	صدر المتألهین
- تام الاعضاء باشد و در انجام کارهایی که مربوط به آن است توانمند باشد.	- تام و قوی الاعضاء باشد تا موافقت و متابعت کند او را بر اعمالی که شان رئیس می باشد که مباشر آنها باشد.
- تیز فهم و سریع الانتقال باشد تا آنچه را می گویند و در نیت مردم است دریابد.	- فهم و تصورش در آنچه می شنود نیکو باشد و هر چه به او گفته می شود بهمان نحو که مقصود قایل است و بهمان نحو که در نفس الامر واقع است بفهمد.
- خوش حافظه باشد و آنچه می فهمد و می بیند و می شنود و درک می کند، حفظ کند.	- حفظش نیکو باشد و آنچه را می فهمد و احساس می کند فراموش نکند.
- زیرک و هوشیار باشد تا دلیل امور را دریابد و قادر به درک روابط علی باشد.	- ذكاء و فطنتش قوی باشد بنحوی که ادنی دلیل در نظرش بر مدلول دلالت کند.
- قدرت بیان داشته باشد تا آنچه در ضمیر دارد با عبارت رسا بر زبان جاری کند.	- حسن العبارة باشد و تواند که از آنچه در خاطرش هست تعبیر نماید بعبارتی که مطلب از آن مفهوم باشد.
- به تعلیم و تعلم علاقمند باشد و مشکلات راه علم مانع علم آموزی او نشود.	- محب علم و حکمت باشد و از تأمل در معقولات ملالی به هم نرساند و از تعب آن متاذی نشود.
- در خوردن و نوشیدن و منکوحات حریص نباشد و از هوا و هوس و لذات آن اکراه داشته باشد.	- بالطبع حریص نباشد بر شهوات، و بالطبع دوری کند لعب را ولذات کاینه فاسده را دشمن باشد.
- بزرگواری و دوستدار کرامت و طالب رفعت باشد.	- کبیر انفس و محب کرامت باشد و بالطبع از هر چه عیب و عاراست متفر بوده و برتر از آن را راغب بوده باشد.
- راستی و راستگویان را دوست بدارد و دشمن دروغ و دروغگویان باشد.	- درهم و دینار و متاع دنیا در نظرش حقیر باشد.
- عدالتخواه و ظلم ستیز باشد و وقتی او را به عدل می خوانند لجوج و جموح نباشد و چون او را به ظلم و زشتی بخوانند بآسانی تسلیم نشود.	- بر حسب طبع محب عدل و اهل آن، و مبغض جور و ظلم و اهل آن باشد و هر جا که به عدل و حسن دعوت شود بآسانی انقیاد نماید و جموش و لجوج نباشد و اگر به جور و قبیح دعوت کرده باشد متفاد
- دارای عزم راسخ و شجاعت باشد و به کارهای شایسته و سزاوار اقدام	- عزمش در آنچه وقوعش سزاوار باشد قوی باشد و جسور و قوی النفس

کند.	باشد.
- نسبت به آیین و اقوال دینی که در آن رشد یافته اعتقاد سلیم داشته باشد.	- در احوال گوناگون، حقائق الهی و معالم ربوبی را با یقین و برهان بدانند بطوریکه هیچ شکمی در آن راه نیابد.
- اعمال و رفتارشان مطابق دین و آیین باشد.	- به زهد حقیقی متصف بود و اخلاق و خوی‌های خود را پاک کرده باشد.
- به ارزشها و فضائل متمسک شود.	
- براساس ضوابط و عادات متناسب با فطرتش پرورش یافته باشد.	
	- نسبت به خلق رنوف و مهربان باشد و از مشاهده منکرات خشمگین نشود و بدون داشتن قصد نجس، اقامه حدود مقرر الاهی را تعطیل نکند.
	- بخشنده و جواد باشد.
	- سرور و بهجت او هنگام مناجات با خدا از همه خلایق بیشتر باشد.

جدول شماره ۲: اوصاف و ویژگیهای رئیس اول از نظر فارابی و صدرالمتألهین

فارابی فقیه باید همه اوصاف را دارا باشد و بهتر است که در شرایط نیز همانند رئیس اول باشد.^{۲۹} بخصوص شرط حکمت را تأکید می‌کند.^{۳۰} اما رابطه و حیاتی که اختصاص به نبی دارد، لازم نیست. اگر فقیهی با این اوصاف و شرایط یافت نشود نوبت به شورای دو نفره می‌رسد که حداقل یکی از آنان باید شرط حکمت را دارا باشد و دیگری سایر شرایط را واجد باشد. اگر این هم میسر نباشد نوبت به شورای شش نفره می‌رسد که هر کدام یک شرط را دارا باشند و اگر فردی بیش از یک شرط داشته باشد به همان تعداد از اعضاء کاسته می‌شود و حداقل آن سه نفر است.^{۳۱}

۴. صدرالمتألهین نیز پس از رئیس اول به ریاست ائمه معصومین علیهم‌السلام و مجتهدین و اولیاء اشاره می‌کند؛ لکن همانند فارابی به تفصیل بیان نمی‌کند که چه میزان از شرایط را دارا باشند. اما از آثار او دو نکته قابل استنباط است:

الف) حکم ریاست برای امام و مجتهد از طرف خداوند ثابت و باقی است و تنها نام نبی از آنان سلب شده

۲۵. الشواهد الربوبية، ص ۳۵۸؛ آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۸.
۲۶. همان و نیز صدرالمتألهین، شرح اصول کافی، ص ۴۶۱.
۲۷. الملة، ص ۴۹؛ السياسة المدنية، ص ۸۱.
۲۸. آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۲؛ صدرالمتألهین، المبدأ والمعاد، ص ۸۲۲.
۲۹. الملة، ص ۶۰.
۳۰. آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۹.
۳۱. آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۳۰.

حاصل بحث

علاوه بر نکاتی که اشاره شد، دیدگاه فارابی و ملاصدرا در مسئله شرایط و اوصاف ریاست جامعه دینی در چند مورد قابل بررسی است:

۱. هر دو فیلسوف با وجود تصریح به اوصاف دوازده‌گانه، به مواردی بیش از آن اشاره کرده‌اند، هرچند تا حدودی برخی از این اوصاف قابل ارجاع به سایر موارد است.

۲. صدرالمتألهین و فارابی هر کدام شرایط و اوصافی ذکر می‌کنند که در آثار دیگری دیده نمی‌شود، با مراجعه به جدول این موارد قابل تشخیص است.

۳. هر دو حکیم اذعان دارند که مصداق جامع این شرایط و اوصاف بسیار نادر است،^{۲۵} و تنها پیامبر جامع آنهاست. از طرف دیگر هیچکدام جایز نمی‌دانند که پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامعه بدون رئیس باشد.^{۲۶}

راه حل آنان با توجه به تفکر شیعی، ریاست پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. فارابی که با تفصیل بیشتر در این زمینه سخن گفته است ریاست مماثل را پیشنهاد می‌کند و منظورش آنستکه پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی ریاست را به عهده می‌گیرد که در تمام شرایط و اوصاف همانند اوست و مانند ملک واحد در زمان واحدند.^{۲۷} مصداق جانشین پیامبر طبق این نظر کسی جز امام معصوم علیه‌السلام نیست. پس از آن نوبت ولایت فقیه یا ریاست سنت است؛ زیرا پس از معصومین هر کسی شایستگی ریاست را ندارد.^{۲۸} از نظر

است همانطور که پیامبر ﷺ فرمود: «لا نبی بعدی». این نکته نشانگر آنستکه امام نیز باید تمام شرایط و اوصاف جز سمت نبوت را داشته باشد؛ اما در مورد مجتهدین شرایط متفاوت است. این بیان از سخنان فارابی نیز قابل برداشت است.

ب) ریاست جانشین پس از پیامبر ﷺ، انتصابی است.^{۳۲}

۵. اوصاف و ویژگیها امری فطری، اما شرایط، حصولی و اکتسابی هستند.^{۳۳}

۶. شرایط و اوصافی که این دو حکیم ارائه کرده‌اند حداکثری است بنحوی که مصداق جامع آن بسیار نادر، اما دستیافتنی است.

* مصداق جانشین پیامبر طبق

این نظر کسی جز امام

معصوم ﷺ نیست. پس از آن

نوبت ولایت فقیه یا ریاست سنت

است؛ زیرا پس از معصومین هر

کسی شایستگی ریاست را ندارد.

از نظر فارابی فقیه باید همه

اوصاف را دارا باشد و بهتر است

که در شرایط نیز همانند رئیس

اول باشد. بخصوص شرط

حکمت را تأکید می‌کند.

منابع و مأخذ

- داوری اردکانی، رضا، فارابی فیلسوف فرهنگ، ج ۱، نشر ساقی، تهران ۱۳۸۲ ش.

- فارابی، ابونصر، آراء اهل المدينة الفاضلة، تحقیق دکتر البیر نصری نادر، دار المشرق، بیروت ۱۹۹۱ م.

- همان، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه دکتر سید جعفر سجادی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۹ ش.

- همان، تحصیل السعادة، تحقیق دکتر جعفر آل یاسین، دار الاندلس، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

- همان، التنبیه علی سبیل السعادة، تحقیق دکتر جعفر آل یاسین، انتشارات حکمت، تهران ۱۳۷۱ ش.

- همان، السياسة المدنیة، تحقیق و تعلیق دکتر فوزی متری نجار، مطبة الكاثولیکية، بیروت ۱۹۶۴ م.

- همان، فصول متزعة، تحقیق دکتر فوزی متری نجار، دار المشرق، بیروت ۱۹۷۱ م.

- همان، الملة، تحقیق دکتر محسن مهدی، دار المشرق، بیروت ۱۹۶۷ م.

- لک زایی، نجف، اندیشه سیاسی صدر المتألهین، ج ۱، مؤسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ ش.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (با همکاری جمعی از دانشمندان)، ج ۱۳، ج ۵، دار الکتب الاسلامیة، تهران ۱۳۶۸ ش.

- ملاحدرا: شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجه‌جوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۷۶ ش.

- همان، الشواهد الربوبیة، بتصحیح جلال الدین آشتیانی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰ ش.

- همان، الشواهد الربوبیة، ترجمه و تفسیر دکتر جواد مصلح، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۶ ش.

- همان، عرفان و عارف‌نمایان (ترجمه کسر اصنام الجاهلیة)، ترجمه محسن بیدار فر، ج ۳، انتشارات الزهراء، تهران، ۱۳۷۱ ش.

- همان، المبدأ والمعاد، تصحیح، تحقیق و مقدمه دکتر محمد ذبیحی باشراف سید محمد خامنه‌ای، ج ۲، چ اول، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، تهران ۱۳۸۱ ش.

- همان، المبدأ والمعاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۲ ش.

- مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی فارابی، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۸۰ ش.

- م. م. شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، زیر نظر نصرالله پورجوادی، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۲ ش.

۳۲. الشواهد الربوبیة، ص ۳۷۷.

۳۳. الشواهد الربوبیة، ص ۳۵۷؛ آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۲۸.